info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۸۴۷
یکشنبه ۲/ خرداد/ ۱۴۰۰
۱۱ / شوال / ۱۴۴۲
23 / May / 2021

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۳۲۸-۲۲۵۳۲۳۲۲-۰۲۶ فکس ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاب سبز

پخش جهانی لیلی و مجنون نظامی گنجوی به زبان انگلیسی از سوی انتشارات پنگوئن

دیک دیویس «لیلی و مجنون» را، که از شاخص‌ترین منظومه‌های عاشقانه‌ی ادبیات کلاسیک پارسی است، به انگلیسی برگردانده و انتشارات پنگوئن این اثر را پخش جهانی کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهر کتاب، در سایت رسمی انتشارات پنگوئن، پیرامون این کتاب آمده است: «منظومه‌ی که لرد بایرون به آن لقب رومئو و ژولیت مشرق زمین داده است و منبع اقتباس اریک کلپتون خواننده‌ی پرآوازه‌ی بریتانیایی برای ترانه‌ی لیلا نیز بوده است.»

همچنین در این یادداشت، نظامی از نظر دقت و ظرافت اشعار و استعداد خلاقه و قدرت نمایشی‌ای که در سراسر ابیات منظومه وجود دارد با ویلیام شکسپیر قیاس شده است.

منظومه‌ی عاشقانه‌ی «لیلی و مجنون»، داستان دو دلداده‌ای را بی می گیرد که خانواده‌هایشان همچون سدی مانع رسیدن آن‌ها به یکدیگرند؛ اما شور عشق و وصال تا پایان عمر با آن‌ها می‌ماند و نظامی با قدرت هرچه تمام‌تر، این عشق سوزان را در منظومه‌ی «لیلی و مجنون» شرح می‌دهد.

همچنین مجله‌ی پابلیشر زوییکلی در یادداشتی پیرامون این کتاب می‌نویسد: «داستانی در بر از جذابیت دربارهٔ عشقی دست‌نیافتنی از شاعر ایرانی قرن دوازدهم میلادی. ترجمه‌ی دیویس ما را با جهانِ شاعرانه‌ی این شاعر پارسی آشنا می‌کند که ویژگی درخشانش، قدرت تصویری اشعار و نو و بکر بودن و زیبایی آن‌هاست.»

در «لیلی و مجنون»، داستان، لایه‌ها و گره‌افکنی‌های زیادی دارد. از آشنایی لیلی و مجنون تا خواستگاری خانواده‌ی پسر و پاسخ رد و سپس درگرفتن جنگی قبیله‌ای اما این پایان ماجرا نیست و تازه شروع سلسله رویدادهاست.

دیک دیویس که خود نیز شاعر است، در سمت استاد تمامی از دانشگاه لوهایو بازنشسته شده است. علاقه‌ی او به ادبیات کلاسیک فارسی بی‌حدوحصر است. به‌گونه‌ای که تاکنون اشعاری از حافظ، عطار و حکیم عمر خیام را نیز ترجمه کرده است. درمیان ترجمه‌ی آثار معاصر پارسی نیز، ترجمه‌ی دیویس از رمان دایی جان ناپلئون ایرج پزشک‌زاد مخاطبان بسیاری داشته است.

یادداشت

افتتاح نخستین فروشگاه فیزیکی گوگل در تابستان

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، شرکت گوگل تابستان امسال نخستین فروشگاه فیزیکی خود را در شهر نیویورک‌سیتی بازگشایی خواهد کرد. فروشگاه گوگل در محله چلسی نزدیک دفتر نیویورک‌سیتی این شرکت که بیش از ۱۱ هزار کارمند دارد، واقع خواهد بود. گوگل در گذشته برای تبلیغ محصولاتش فروشگاه‌های موقتی راه‌اندازی کرده بود، اما اکنون اعلام کرده که در این فروشگاه فیزیکی، تلفن‌های هوشمند پیکسل، پیکسل‌بوکس، مهیند فیتنس فیت‌بیت و دستگاه اسمارت‌هوم «نست» را عرضه خواهد کرد. مراجعان امکان دریافت «خدمات مشتریان» در نظر گرفته‌شده برای دستگاه‌های این شرکت را خواهند داشت و سفارش‌های آنلاین خود را در این فروشگاه دریافت می‌کنند. اعلام خبر راه‌اندازی فروشگاه فیزیکی توسط گوگل منعکس‌کننده تلاش این غول اینترنتی برای دنبال کردن ایل است که طی دو دهه اخیر از فروشگاه‌های فیزیکی و خدمات حضوری در آنها میلیاردها دلار درآمد کسب کرده است.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می‌خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۶۸۰۶۰۰۶۰

فال ۴۷

امروز با حافظ

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها
همه کارم ز خود کامی به بدنامی کشید آخر
نهان کی ماند آن رازی که از کو سازند محفل‌ها
حضوری گر همی‌خواهی از او غایب مشو حافظ
متی ما تلق من تهوی دع الدنیا و اهملها

خوانده

ترسم از پرده برون افتم
چو گل کاین باد صبح
زان گلستانها که روزی با
تو بودم یاد داد

امیرخسرو دهلوی

فال نرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۶	۰۵:۵۸	۱۳:۰۴	۲۰:۱۰	۲۰:۲۹

برگه

سعادت یک عادت است؛ آن را پرورش دهید.

آلبرت هوبار

یادداشت

برای پساکرونا از حالا برنامه‌ریزی کنیم

مدت‌هاست گفته مشترک اغلب مان پیرامون بیماری کرونا و از سویی نقشی است که خواناخواه در زندگی‌مان ایفا کرده؛ از محدودیت‌های برآمده از آن گرفته تا تغییری که در سبک زندگی و کارمان سبب شده است. دراین‌بین فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام حضوری پررنگ و حتی کلیدی‌تر در زندگی‌مان یافته‌اند. این مسأله در عرصه فرهنگ و حوزه کتاب هم نظیر دیگر عرصه ها خودنمایی می‌کند. خود ما در خانه کتابدار کودک و نوجوان از امکان برپایی بسیاری از برنامه‌های حضوری محروم شده‌ایم؛ هرچند که تا حدامکان تلاش در برقرار ماندن آنها با بهره‌گیری از فضای مجازی داشته‌ایم. پیش‌تر جلسات متعددی با حضور کودکان و نوجوان علاقه‌مند کتابخوانی برگزار می‌شد که افزون بر فعالیت‌های پیرامون کتاب برای آنان فرصت یادگیری فعالیت‌های گروهی را فراهم می‌کرد حتی برای مادران به‌عنوان نماینده خانواده‌ها جلساتی برگزار می‌شد و امکانی برای افت گرفتن کتاب و تبادل آن در نظر گرفته بودیم.

حالا برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی شرایط برپایی حضوری این برنامه‌ها ممکن نیست، با این حال تا حدی که بشود بخشی از کارها به فضای مجازی منتقل شده‌اند. از جمله اینکه کارگاهی برای نوجوان و با همکاری گروه قصه‌گویی دیجیتال شهرداد برگزار کردیم و در نتیجه‌اش پادکست‌هایی با نام «قصه‌های کرونا»، با موضوعات مختلف، تولید شد.

البته تا حد ممکن حلقه‌های کتاب‌خوانی‌مان را حفظ کرده‌ایم، حتی کتابخانه‌ای دایر کرده‌ایم که اعضا بدون نیاز به طی روند پیش از کرونا، کتاب‌های موردنظر خود را برداریم، بخوانند و دوباره بازگردانند. حتی جلسات مدیریت و از سویی تعامل با نهادهایی مانند شورای کتاب کودک هم این روزها اغلب، از طریق فضای مجازی برگزار می‌شوند. این تغییر محسوسی است که نعمتها در عرصه فرهنگ و کتاب بلکه در همه وجوه زندگی‌مان خودنمایی می‌کند. البته اتفاق ناگزیری نیز هست و چاره دیگری هم نداریم. این تغییرات آن‌قدر بزرگ هستند که بعیدی‌دانم حتی با کنترل کامل بیماری کرونا دیگر هیچ وقت به زندگی قبل‌مان بازگردیم.

باید از همین حالا برای دوران بعد از کرونا برنامه‌ریزی کنیم؛ به هر حال در برخی حوزه‌ها همچون آموزش و پرورش و حوزه‌هایی از فرهنگ که در تماس با مخاطبان کم‌سن و سال هستند قطع تعاملات رودررو آسیب بزرگی به دنبال داشته است. باید از همین حالا تافرصت هست برای آسیبی که متوجه کودکان و نوجوانان شده چاره‌ای اندیشید چراکه به‌رغم نقش مثبت فضای مجازی اما هیچ‌کدام از تکنولوژی‌های ارتباطی قادر نیستند جای خالی ارتباط رودررو را بر کنند. البته بحث بزرگسالان فرق دارد چراکه ما فرایند جامعه‌پذیری و... را طبیعی‌تر طی کرده‌ایم.

ملیحه پیشداد محمدی
بنیانگذار و عضو شورای مدیریت خانه کتابدار کودک و نوجوان

یادداشت

مهندسی انتخابات در ساوجبلاغ

دکتر حسین عسگری

دوره سلطنت رضاشاه پهلوی شکل اجرایی حکومت استبداد شرقی در قالب نظامی غرب گرا بود. شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و بر هرم سه‌گوشه مجریه مقننه و قضاییه ریاست می کرد (۱) البته سیاست شاه در تمرکزگرایی و برهم زدن مراکز قدرت سیاسی، قرین موفقیت بود. مجلس از جمله کانون های قدرت بود که در عصر پهلوی استقلال خود را از دست داد و حکومت فردی، جانشین نظام پارلمانی شد. او پس از سلطنت با مداخله در انتخابات، مجلس را مطیع اوامر خود ساخت. از آن پس بود که مجلس نقش مستقل خود را در قانونگذاری از دست داد (۲)

در فاصله سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ش هفت دوره قانونگذاری (مجلس ششم تا دوازدهم) تشکیل شد. اسناد وزارت دربار پهلوی که سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱ش را دربر می گیرد مربوط به دوره ای است که عبدالحسین تیمورتاش مسئولیت این وزارتخانه را برعهده داشت. (۳) در این مدت سرنوشت انتخابات دوره های ششم تا نهم مجلس را تیمورتاش رقم می زد. اسنادی موجود است که ثابت می کند او و همفکرانش، انتخابات آن سال ها را مهندسی کرده اند

محمدتقی اسعد بختیاری نماینده مجلس شورای ملی، در ۲۵ بهمن ۱۳۰۶ گزارش محرمانه‌ای که را خطاب به رضاشاه درباره ویژگی های اخلاقی و گرایش سیاسی نمایندگان مجلس ششم ارسال کرده است. (۴) او در تحلیل هایش پیاله دهستانی نماینده حوزه انتخابیه «شهریار، ساوجبلاغ و گُرمان» را فردی «موافق با حکومت» و «احمق» توصیف کرده است. (۵) از دیگر سو تیمورتاش هم فهرست تعیین و جایجایی نامزدهای مورد نظر حکومت را برای دوره نهم مجلس شورای ملی تدوین کرده است. (۶) در آن فهرست عجیب قرار شده که نام دهستانی بار دیگر از صندوق های رأی خارج شود. (۷)

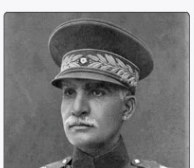

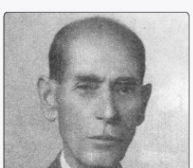

حکومت پهلوی دوم، از او سلب مصونیت شد و به زندان افتاد. به مدت هشت سال در زندان به سر برد و پس از شهریور ۱۳۲۰ رهایی یافت و در انتخابات دوره چهاردهم، بار دیگر نماینده مجلس شورای ملی شد.

۵. اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، ص ۴۰۳۶ / میرزا یدالله خان نظافی معروف به دهستانی (درگذشت ۱۳۴۹ش) نماینده مردم ساوجبلاغ، کُردان و شهریار از دوره پنجم تا چهاردهم مجلس شورای ملی بود. او کودکی اندک سوادی در حد خواندن و نوشتن فراگرفت و در جوانی در منطقه ساوجبلاغ به کشاورزی پرداخت. پس از مدتی امین مالیه شهریار شد و موقعیتی پیدا کرد و در سال ۱۳۰۲ش با کسب ۳۲۸۲ رأی نماینده مردم ساوجبلاغ، کردان و شهریار در دوره پنجم مجلس شورای ملی شد. میرزا احمد آذری و حاج افخم الدوله رقیبان او بودند. در آذر ۱۳۰۴ش با کسب ۲۵۶۳ رأی، از منطقه ساوجبلاغ به نمایندگی مجلس موسسان اول انتخاب شد و در ماجرای تغییر سلطنت و انقراض قاجار، طرفدار سردار سپه (رضاخان) بود. تلاش های سیاسی او در به قدرت رسیدن سلسله پهلوی موجب شد که تا دوره چهاردهم قانونگذاری همچنان به عنوان نماینده مردم ساوجبلاغ، کردان و شهریار برگزیده شود. دهستانی در مجموع حدود بیست سال نماینده مجلس بود آن هم نماینده ای بی سروصدا و مطیع. او مشاور رضاشاه پهلوی در امور کشاورزی و آبادانی روستاها بود و در این راستا چندین ملک مرغوب در کرج برای خاندان پهلوی از جمله شمس پهلوی خریداری کرد در سال ۱۳۲۵ش در انتخابات دوره پانزدهم مجلس از پیالهاندین گُهبد (درگذشت ۱۳۶۱ش) شکست خورد و از راهیابی به مجلس بازماند. چون دو دوره نماینده مجلس بود، وکالت را حق قانونی خود می دانست. به همین جهت، برای رد اعتبارنامه کهبد فراوان تلاش کرد و در این راه موفق شد اما کهبد بار دیگر به نمایندگی مردم ساوجبلاغ، کردان و شهریار انتخاب شد. دهستانی در سال ۱۳۳۲ش سناتور انتصابی قزوین در دوره دوم مجلس سنا شد. در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی شکایت هایی از عملکرد دهستانی موجود است: از جمله: شکایت اهالی روستای کردان در قالب ۱۲ نامه بین سال های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۴ش در اعتراض به اعمال نفوذ مالک روستا با حمایت مأموران فرمانداری نظامی تهران و اذیت و آزار اهالی؛ شکایت محرم علی صیادی از اهالی روستای کردان در سال ۱۳۱۹ش مبنی بر عشقی (درگذشت ۱۳۰۳ش) شاعر نامی، در هزلیات خود از بی سوادی و فرصت طلبی دهستانی به شدت انتقاد کرده است.

۶. دوره نهم مجلس شورای ملی در ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ بازگشایی شد و در ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ به پایان رسید. قانون تأسیس دانشگاه تهران و اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس از مصوبات این مجلس است.

۷. اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، ص ۱۴۲.

نویسنده والبرز پژوه

مقاله

شلیک به تنوع زیستی جهان همچنان ادامه دارد

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مرکزی، گفت: تنوع زیستی به عنوان منابع ارزشمند و سرمایه‌های طبیعی هر منطقه است که حراست و ارتقاء آن در کیفیت چرخه زیستی و حیات نقش مهم و کلیدی دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، رضا میرزائی به مناسبت روز جهانی تنوع زیستی در گفت‌وگو با ایسنا، افزود: تنوع زیستی را مجموعه داشته‌های طبیعی در گونه‌های جانوری، آبزی و گیاهی اطلاق می‌شود که با ضریب سلامت زیستی و طبیعت پویا ارتباط مستقیم دارد و در سال‌های اخیر به دلیل روند توسعه ناملتوازن، دخالت‌های بشر در طبیعت و در اکوسیستم دچار چالش‌هایی شده و بسیاری از گونه‌های با ارزش، روند کاستی، تهدید یا انقراض را تجربه می‌کنند.

وی گفت: تنوع زیستی که امروز شاهد آن هستیم، محصول میلیاردها سال تکامل موجودات است که به وسیله فرآیندهای طبیعی و البته به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر انسان به وجود آمده است. بنابراین ما بخش جدایی‌ناپذیری از این تنوع زیستی و به طور کامل وابسته به آن هستیم.

میرزائی اظهار کرد: در قرن حاضر، کاهش تنوع زیستی به طور عمده، نتیجه بازخورد فعالیت‌های انسانی و تهدیدی جدی برای ادامه حیات بشر در کره زمین است. به رغم تلاش‌های انجام شده در طول ۲۰ سال گذشته، با ویرانی زیستگاه‌ها، برداشت بیش از حد از زمین‌های کشاورزی و آب‌های زیرزمینی و آلودگی آنها در اثر افزایش بی‌رویه جمعیت، تغییر اقلیم و سایر مشکلات بوجود آمده در اثر بی‌توجهی‌ها، روند نابودی تنوع زیستی جهان همچنان ادامه دارد.

وی با اشاره به شعار امسال روز جهانی تنوع زیستی که "ما نیز بخشی از راه حل هستیم" است، گفت: تنوع زیستی منابع ارزشمند و سرمایه‌های طبیعی هر منطقه است که حراست و ارتقاء آن در کیفیت چرخه زیستی و حیات نقش مهم و کلیدی دارد.

میرزائی در ادامه با اشاره به اینکه راهبردهای متعددی جهت حفظ تنوع زیستی وجود دارد، بیان کرد: یکی از قدیمی‌ترین و شناخته شده‌ترین این راهبردها ایجاد مناطق تحت حفاظت است که تمام اجزای تنوع زیستی اعم از اجزای شناخته شده و ناشناخته را به صورت یکپارچه حفظ می‌کند.

وی افزود: درحال حاضر ۱۲.۲۵ درصد از مساحت استان مرکزی در قالب یازده منطقه تحت مدیریت زیست محیطی به ثبت رسیده که این مناطق از بهترین زیستگاه‌ها و پناهگاه‌های حیات وحش کشور محسوب می‌شوند.

میرزایی اظهار کرد: استان مرکزی در خاستگاه سوم کشور در حوزه تنوع زیستی قرار دارد و تاکنون ۳۶۳ گونه جانوری شامل ۶۵ گونه پستاندار، ۲۲۲ گونه پرنده، ۵۵ گونه خزنده، ۴ گونه دوزیست، ۱۷ گونه ماهی بومی و یکهزار و ۳۲۶ گونه گیاهی در آن شناسایی شده است.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مرکزی حفظ محیط زیست و تنوع زیستی را امری همگانی و مستلزم هم‌افزایی بیشتر مردم و مسئولان دانست و تاکید کرد: برای حفظ تنوع زیستی در کشور مشارکت و همدلی مردم ضروری است و بهترین حافظان تنوع زیستی در واقع ساکنان همان مناطق هستند.

بریده جراید

نهانخانه تاریک

ایران: احمد آرام: نویسنده و مدرس داستان‌نویسی–«مایکل سیمونز» در کتاب «تاریخچه آشپزها و آشپزی» می‌نویسد: «اگر «آنچه می‌خوریم ما را شکل می‌دهد»، بنابراین آشپزها فقط غذایمان را درست نمی‌کنند، بلکه ما را هم می‌سازند. آنها شبکه‌های اجتماعی ما، تکنولوژی‌ها و عقایدمان را شکل می‌دهند. آشپزها لایق این هستند که داستان‌هایشان به‌کرات و بسی گفته شود.»

«ویتولد شابوفسکی»، روزنامه‌نگار لهستانی، به این صرافت افتاد که دانلقه دیکتاتورها را با عملکرد سیاسی و توجه به سلامت جسمانی در یک روند عجیب‌وغریب از طریق سرآشپز آنان شناسایی کند. پنج دیکتاتور خطرناک را مدنظر می‌گیرد تا از این راه به درون ذهن بیمارشان راه پیدا کند: «صدام حسین»، «عیدی امین»، «هوخوجه»، «فیدل کاسترو» و «پُل پوت». شابوفسکی می‌خواهد از طریق دانلقه این آدم‌ها پی به رفتار سیاسی و خلوادگی آنها ببرد: درواقع کشف یک نهانخانه تاریک دور از دسترس. سرآشپزها، مانند وزرای قابل‌اعتماد و گاه بسیار امین، دوشادوش دیکتاتورها و قدم‌به‌قدم، در تمام سفرها رئیس‌جمهوری را دنبال می‌کردند. آشپزها در شرایط جغرافیایی متغیر، یا حتی وضعیت روحی و روانی هولناک آنها، می‌دانستند حس رئیس‌جمهوری با چه غذاهایی سازگار خواهد بود. درواقع به سه چیز فکر می‌کردند یکی اینکه شرایط خوش رئیس‌جمهوری را با طعم غذاهایی که دوست داشت، به درجه اعلا برسانند. یا اگر از تب خشم و کینه کنترل روانی خود را از دست داده‌اند چه گونه دسرهای آرام‌بخش همراه با غذاهای روح‌نواز تهیه می‌کردند تا رئیس‌جمهوری بتواند از طریق غذای موردپسندش، به شکل غریزی، کنترل اعصاب و روان خود را در راستای موقعیت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های مهم، به دست گیرد. سوم درمی‌یافتند که دنیای هولناک آنها از کجا نشأت می‌گیرد.

صدام حسین در دانلقه و میل به غذا، همان رفتاری را از خود نشان می‌داد که در امور سیاسی پایبند آن بود. او بشدت روی غذاهایی که مربوط به جغرافیای وطنش بود از خود تعصب نشان می‌داد و می‌توان گفت دانلقه‌اش با رفتار نامیونالیستی افراطی‌اش هماهنگ بود. وقتی نویسنده کتاب از «بوعلی» آشپز مخصوص صدام می‌پرسد او چه گونه آدمی بود، فوری جواب می‌دهد: «حرام زاده‌ترین آدم بود.» صدام گاهی خودش غذای مورد طبع اش را درست می‌کرد و دیگران را مجبور می‌کرد آن غذای بسیار شور یا تند را بخورند. و دیگران از ترس می‌خوردند و دم نمی‌زدند و صدام قهقهه سر می‌داد. ابوعلی می‌گفت اگر غذایی را بد درست می‌کرد او ۵۰ دینار جریمه‌اش می‌کرد اما گاه که خودش غذا را بد درست می‌کرد ۵۰ دینار به ابوعلی می‌داد. سرآسر کتاب سرشار از خصلت‌های شیطانی افرادی است که به غذا مانند سیاست روزمره‌شان فکرمی‌کردند.

مصاپب آشپزی برای دیکتاتورها
نویسنده: ویتولد شابوفسکی
ترجمه: زینب کاظم خواه
انتشارات کتاب پارسه

بی کاری در رسانه‌ی ملی!

شرق: رویا صدر– در یک شب بهاری که گل است و هندوانه است و برنامه مفرح خندوانه است. دو میهمان از اهالی فوتبال که البته حافظه تاریخی ما با خاطره شیرینی که یکی از آنها در ملبورن برایمان رقم زد آمیخته‌شده است، رویه‌روی مجری می‌نشینند تا لحظات بینندگان رسانه ملی فرهنگ‌ساز را سرشار از شور و شادی کنند.

ماجرا از آنجا شروع می‌شود که یکی از آنها در برابر سؤال مجری که: «امام سه نویسنده ایرانی را یگو» می‌گوید: «نویسنده از کجایم بیارم» و دیگری ادامه می‌دهد: «نویسندگان بی‌کارند و از روی بی‌کاری می‌نویسند و ما را به آنها چکار» تا مجری خوش‌خنده برنامه از پاسخ نغز آن دیگری، غش و ریسه برود و مسئولان تدوین هم که برنامه را برای پخش آماده می‌کنند، دلشان نیاید این تکه‌پرانی را حذف کنند. لابد با این تصور که خب خنده‌است دیگر. اگر در آن به اهل فرهنگ نخندیم دیگر اجازه داریم به چه کسی بخندیم؟

چراکه درحال حاضر در محدوده تنگ سؤال و جواب‌های کنترل شده، لابد به‌سخره‌گرفتن فرهنگ که صدایش در هیاهوی اقتصاد و سیاست و عوام‌زدگی گم شده مجاز است و حساسیتی برنمی‌انگیزد کافی است به یاد بیاوریم که در گذر زمان، دایره موضوعاتی که می‌شود در سیما یا آنها شوخی کرد و به طنزشان گرفت، تنگ و تنگ‌تر شده است و به‌مرور اقشار و اصناف مختلف اعم از مقامات و نیروها و... از دایره آن خارج شده‌اند. همچنین به‌مرور شاهد حضور جریانی در طنز رسانه ملی هستیم که در آن تولید انبوه برنامه‌ها و سناریوهای بی‌مخاطب طنز بر فرم و محتوای آثار طنز تأثیر گذاشته است.

با این حساب تکلیف برنامه‌ای مثل خندوانه که لمسش با خنده گره خورده و در ردیف برنامه‌های سرگرمی سبک قلمداد می‌شود و قرار نیست به طنز به مفهوم عمیق آن بپردازد، مشخص است.

این است که وقتی در آن میهمان برنامه در گفت‌وگویی که اتفاقا جدی است و رنگی از طنز ندارد می‌گوید نویسنده ایرانی بی‌کار است که می‌نویسد این امر دستمایه خنده قرار می‌گیرد تا فضای مفرح خندوانه دوچندان شود؛ چراکه لابد، اهالی فرهنگ جزء خطرناک‌ترهای رسانه ملی نیستند و از سوی دیگر بی‌کاری نویسندگان امری پذیرفتنی است.

چه کسی است نداند درآمد حاصل از تیراژ ۳۰۰ نسخه‌ای کتاب یک نویسنده (که حاصل سال‌ها عرق ریختن روح و ذهنش است) کفاف یک زندگی ساده را هم نمی‌دهد و نویسنده مگر بی‌کار باشد که برای دل خودش و مخاطب اهل اندیشه اندک خود بنویسد و دنبال شغل دیگری نرود که درآمد خوبی داشته باشد و در قامت یک سلبریتی هم در برنامه خندوانه بنشیند و دانستن، اندیشیدن، نوشتن و خواندن همراه با تمسخر اسباب تفریح مجری و مخاطب را فراهم کند!

در این میان صدالبته عکس‌العمل نویسنده بی‌کار ایرانی غیر قابل پیش‌بینی است. او هرچند در این روزگار غریب، عطای رسانه ملی را بودجه سرسام‌آورش را به لقایش می‌بخشد و دیوژن‌وار به همین هم قانع است که او را به حال خودش بگذارند و کنار بروند و لااقل جلوی آفتاب را نگیرند ولی وقتی فرهنگ و اهالی دستمایه تمسخر قرار می‌گیرند، به‌صورت فردی یا در قالب تشکل نشان می‌دهد تاب‌آوری آن طورها هم که فکر می‌کنند زیاد نیست. چندان که در برابر اعتراض اهالی ادب و هنر به چنین تعابیر توهین‌آمیزی مسئولان و مجریان و میهمانان ناچار به توضیح و عکس‌العمل می‌شوند تا یاد بگیرند که از این پس قدرت بی‌قدرتان را که همان قدرت فرهنگ و اهلش است، دست کم نگیرند!